

موقیعت و نمونه‌های شادی و نشاط بر اساس نظرات برخی از اندیشمندان

مسلمان

نعمت اله قادری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

چکیده

شادی یکی از موضوعات مهم و برجسته‌ای است که در دین اسلام به آن توجه ویژه‌ای شده است. با این حال، برخی از روشنفکران امروزی به اشتباه بر این باورند که اسلام برای شادی جایگاهی قائل نیست. این مقاله با استناد به نظرات تعدادی از اندیشمندان مسلمان، جایگاه و نمونه‌های شادی و نشاط در اسلام را بررسی می‌کند. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و یافته‌های آن نشان می‌دهد که شادی نه تنها بر زندگی مادی افراد تأثیرگذار است، بلکه می‌تواند بر جنبه‌های معنوی و اعمال عبادی آنها نیز تأثیر مثبت یا منفی بگذارد. مفهوم شادی در آموزه‌های اسلامی، نمونه‌ها و مصادیق آن در قرآن و احادیث، و دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان مسلمان درباره شادی و نقش آن در زندگی تحلیل می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که شادی و نشاط در اسلام به عنوان یکی از اصول مهم زندگی شناخته شده و مورد تأکید قرار گرفته است. شادی می‌تواند باعث افزایش انگیزه، بهبود روابط اجتماعی و تقویت ایمان و تقوا شود، البته به شرطی که با رعایت تعادل و اعتدال همراه باشد.

کلیدواژگان: شادی، امام خمینی، دیدگاه فلاسفه، دیدگاه فقه، شهید مطهری، آثار و مصادیق شادی.



مقدمه

بدون شک، شادی و نشاط یکی از عوامل بنیادین برای سلامت و پویایی هر جامعه است. این ویژگی انسانی، به عنوان یکی از پایه‌های مهم برای رشد و توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح است. اگر این ویژگی در افراد جامعه کم رنگ شود، ممکن است منجر به مشکلات جدی و متعددی شود که شامل افزایش اختلالات روانی، کاهش عملکرد اجتماعی، و کاهش رضایت و خوشبختی فردی و اجتماعی می‌شود. این مسئله دارای ابعاد و زوایای مختلفی است که تأثیر مستقیمی بر شادی و سلامت جامعه دارد. در صورتی که جهت‌دهی و تنظیم به درستی انجام نشود، شادی که یکی از عوامل اصلی سلامت جامعه است، ممکن است به عامل تخریب آن تبدیل شود.

در بررسی شادی در جوامع مختلف، ملاحظات و برداشت‌ها متفاوتی وجود دارد. اما از منظر اسلام، که دینی کامل و جامع برای ابعاد مختلف رفتاری بشر است، به شدت تأکید بر شادی و نشاط دارد. اسلام به عنوان یک راهنمای کامل زندگی، دستورالعمل‌هایی برای دستیابی به شادی در زندگی فردی و اجتماعی ارائه داده است. اما در دهه‌های اخیر، در برخی جوامع، تفکراتی رایج شده که افراد را به این باور می‌برند که در اسلام جایگاهی برای شادی و نشاط وجود ندارد یا حتی مخالفت با شادی و نشاط به وجود آمده است. برای پاسخ به این ادعاها و بررسی شادی از دیدگاه اسلام، نیاز است به سؤالاتی مانند:

۱. آیا شادی در دین اسلام جایگاهی دارد؟

۲. تا چه حدی افراد مجاز به ابراز شادی و نشاط هستند؟

۳. کدام اسباب شادی از دیدگاه اسلام مجاز است؟

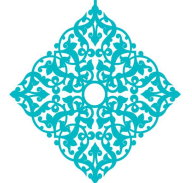
۴. دیدگاه اندیشمندان مسلمان درباره شادی چیست؟

برای پاسخ به این سؤالات، ابتدا به منابع اسلامی موجود شامل آیات قرآنی، روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، و سنت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مراجعه می‌کنیم. در این راستا، علمای اسلامی و متفکران مسلمان نیز به بررسی مفهوم و اهمیت شادی در اسلام پرداخته‌اند. آن‌ها تفسیرهای مختلفی از ابعاد شادی و نشاط از منظر اسلام ارائه داده‌اند که



نه تنها برای تقویت ارتباط انسان با خداوند، بلکه برای بهبود کیفیت زندگی اجتماعی نیز اهمیت دارد.

در نهایت، پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه‌ها و نظرات اندیشمندان مسلمان درباره ابعاد مختلف شادی و نشاط پرداخته و سعی می‌کند تا به روشنی نقش شادی در زندگی انسان از منظر دین اسلام را بیان نماید.





گفتار اول: معناشناسی شادی

لغت شادی

معادل شادی در زبان عربی، "فرح" است که به معنای خوشحالی یا لذت‌های گذرا می‌باشد و عمدتاً به لذت‌های جسمانی اشاره دارد. در لغت‌نامه عربی درباره "نشاط" چنین نوشته شده است: «نشاط در مقابل کسالت و تنبلی است و به معنای رغبت و تمایل به کار، انجام دادن کاری با علاقه و نشاط و پرداختن به کار با انرژی و چالاک می‌باشد.» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۸ ق: ج ۷، ص ۴۱۳). دهخدا، در بخش مربوط به واژه "شادی"، آمده است: «حالتی مثبت که در انسان پدید می‌آید و در مقابل غم و اندوه قرار می‌گیرد.» (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۳: ج ۱۵، ص ۱۲۳۲۶). همچنین در فرهنگ معین، "شادی" به این صورت تعریف شده است: «احساس خوشبختی و رضایت که در نتیجه‌ی اتفاقات خوشایند به وجود می‌آید و در مقابل غم قرار دارد.» (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۲۸۹۲).

اصطلاح شادی

لازم است توجه داشت که ارائه تعریفی جامع و دقیق برای شادی امکان‌پذیر نیست. تعاریفی که معمولاً از شادی بیان می‌شود، صرفاً به توضیح کلی از مفهوم آن یا به تشریح زمینه‌ها و نشانه‌هایش می‌پردازد و قادر نیستند تصویر کاملی از شادی ارائه دهند. به عنوان مثال، شادی به عنوان احساسی خوشایند و لذت‌بخش شناخته می‌شود که ناشی از تحقق یا انتظار تحقق یکی از اهداف یا آرزوها در انسان ایجاد می‌گردد. علاوه بر این، شادی می‌تواند به عنوان ترکیبی از عواطف مثبت همچون رضایت، هیجان و لذت تفسیر شود. این حالت زمانی به اوج می‌رسد که عواطف منفی مانند ناامیدی، ملال و افسردگی در کمترین سطح ممکن باشند. بنابراین، شادی نه تنها به معنای تجربه احساسات مثبت، بلکه به معنای کمبود یا نبود احساسات منفی نیز هست.

در حقیقت، شادی می‌تواند به شکل‌های مختلفی در زندگی ما ظهور کند. برای برخی، ممکن است شادی در لحظات کوچک روزمره مانند لبخند زدن به یک دوست یا شنیدن یک آهنگ مورد علاقه باشد. برای دیگران، شادی می‌تواند در دست‌یابی به موفقیت‌های

بزرگ مانند فارغ التحصیلی، یافتن شغل مورد علاقه یا تشکیل خانواده معنا پیدا کند. در هر صورت، شادی حالتی ذهنی و احساسی است که می تواند به طور متفاوتی برای هر فرد تعریف شود و تجربه گردد. (مطهری، مقالات فلسفی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۷۷؛ مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۴۳).

شادی به عنوان حسی مرکب از عواطف مثبت تعریف می شود، مانند: خوشحالی، هیجان و برانگیختگی حسی، مشروط بر اینکه عواطف منفی مانند: احساس ملال، بی علاقهگی و افسردگی در کمترین حد ممکن باشند. بنابراین، شادی به معنای «بالا بودن عواطف مثبت همراه با پایین بودن عواطف منفی» است (آرگایل، روان شناسی شادی، ۱۳۸۵، ص ۱۴ و ۲۵).

از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است که: "شادی دل را باز می کند و موجب نشاط می شود" (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۰: ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۲۰۲۳).

همچنین از پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) روایت شده است: "خنده و شادی نیمی از ایمان است" که بیانگر اهمیت شادی و خنده در زندگی مؤمنان و تاثیر آن در تقویت ایمان است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۳۹۲). این روایت نشان دهنده این است که شادی نه تنها به عنوان یک حالت روحی مطلوب، بلکه به عنوان عنصری مؤثر در پایداری و تقویت ایمان نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

گفتار دوم: معنا شناسی نشاط

فراہیدی در کتاب العین، از اصطلاح "طیب النفس" استفاده کرده است و بر اساس آن، ماده "نشط" را به معنای آمادگی و سرزندگی برای انجام کارها تعریف می کند. این بیان نشان می دهد که "نشاط" علاوه بر مفهوم حرکتی و پویایی، با حالتی از رضایت و تمایل درونی برای فعالیت های مختلف نیز همراه است (فراہیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۳۷).

این تعاریف و توضیحات نشان دهنده این است که "نشاط" نه تنها به حرکت و فعالیت فیزیکی اشاره دارد، بلکه به حالت های روحی و روانی مثبت و انگیزه دار نیز مرتبط است. ابن فارس برای تعریف ماده "نشط" از دو واژه احتزاز و حرکت بهره می گیرد. او "نشاط"





را به عنوان حالتی در انسان می‌شناسد که به دلیل وجود احتزاز و حرکت، این واژه برای توصیف آن انتخاب شده است. در توصیف این حالت، از واژه "تفتح" نیز استفاده کرده که به معنای گشودگی و انبساط نفس می‌باشد، یعنی حالتی که در آن انسان احساس باز بودن و توسعه روانی دارد (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۹۵۴).

شادی و نشاط ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند و می‌توان شادی را یکی از عوامل ایجاد نشاط دانست. در بسیاری از مواقع، این دو واژه به عنوان یک مفهوم در نظر گرفته می‌شوند، اما میان این دو حالت روانی تفاوت‌هایی وجود دارد. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «السرور یبسط النفس و یثیرُ النشاط.» شادی باعث انبساط خاطر و سبب نشاط انسان می‌شود (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲۰۴۵).

شادی، که معادل عربی آن فرح و سرور است، به معنای خوشحالی و خشنودی است که نمود آن بیشتر در خنده و تبسم ظاهر می‌شود. اما نشاط و شادابی به معنای سرحال بودن، سرزندگی و میل و رغبت به کار داشتن است که در فعالیت و تکاپو آشکار می‌شود. دلیل این تفاوت را می‌توان در روایات زیر یافت که نشان‌دهنده تمایز میان این دو واژه هستند:

۱. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «به عمل [خود] ادامه بده، چه در حال نشاط و چه در حال سستی و کاهلی» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ج ۷۷، ص ۲۳۸). این روایت نشان می‌دهد که نشاط به معنای حالتی از سرزندگی و انرژی برای انجام کارهاست.

۲. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «یکی از لشکریان عقل، نشاط و ضد آن، یکی از لشکریان جهل، کسالت است و شادی ضد آن اندوه است» (کلینی، الکافی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۰). در این روایت، امیرالمومنین علیه السلام شادی و نشاط را به طور جداگانه بیان کرده و هر یک را از لشکریان عقل به شمار آورده است.

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که اگرچه شادی و نشاط ارتباط نزدیکی با هم دارند، اما هر یک دارای ویژگی‌ها و نمودهای متفاوتی هستند.

گفتار سوم: اسباب و مصادیق شادی

انسان ممکن است برای رسیدن به شادی از ابزار و وسایل زیادی استفاده کند. حال با توجه به این موضوع در این بخش از رساله ابتدا به این ابزار و حکم هر کدام از آن‌ها پرداخته می‌شود.

تفریح

برای تأمین سلامتی جسم و جان باید تلاش کرد و از هوای سالم، تفریح سالم، غذای سالم و از تعلیم و تربیت و دیگر عوامل سلامتی بهره جست. این امور حق محسوب می‌شوند ولی ترک استیغای آن نشاط، شادابی و سلامت روانی و جسمانی و بالأخره تمدن فرد و جامعه را که درتدین او نهادینه شده تهدید می‌کند و برای حفظ سلامت روانی همانند سلامت جسمانی باید اهتمام ورزید و از تفریحات سالم در کنار آموزه‌های علمی و اخلاقی استفاده کرد. (مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۶) از ادله‌ی دیگری که به مباح بودن تفریح و بازی و سرگرمی دلالت دارد آیه‌ی «أرسله معنا غداً یرتع و یلعب و إنا له لحافظون» (یوسف، ۱۲) و را فردا با ما بفرست تا در چمنزار بگردد و بازی کند و حتماً ما او را نگاهبانیم. این آیه در مورد حضرت یوسف و ماجرای به چاه انداختن او نازل شده است. چنان که در این آیه مشاهده می‌شود قویترین منطقی که توانست حضرت یعقوب را تسلیم خواسته فرزندان کند، این بود که برادران یوسف با یک فعل مباح توانستند پدرشان را قانع کنند که یوسف را همراه آنان به صحرا برای بازی و تفریح بفرستد، در این آیه نیاز فطری و طبیعی انسان به تفریح و سرگرمی دلالت بر مباح بودن آن دارد.

در روایات اسلامی این واقعیت به طرز جالبی به عنوان دستور بیان شده است. آنجا که علی علیه السلام می‌فرماید: «للمومن ثلاث ساعات فساءة یناجی فیها ربه و ساعه یرم معاشه و ساعه یخلى بین نفسه و بین لذتها فیما یحل و یحمل» (محمد سیدرضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱) نزد فقهای امامیه و اهل سنت، اصل اباحه تفریح، گردش، سفر و انجام اموری است که سبب شاد کردن است مگر آنکه با کارهای حرام در شرع مقدس، مانند تفریح با آلات لهو، قماربازی و غیر آن توأم گردد که در این صورت حرام می‌شود.



غنا

در لسان العرب، اصمعی به تعریف غنا اشاره کرده است که به معنای قصر و مد در دو زمینه استفاده می‌شود. در زمینه مال، غنا به معنای بی‌نیازی در ثروت است، به قصر و اقتصار مال (ابن منظور، اللسان، ۱۴۰۰ق: ج ۱۵، ص ۱). اما در آوازخوانی، غنا به معنای طولانی کردن صوت و انعطاف آن است، به مد (ابن منظور، اللسان، ۱۴۰۰ق: ج ۱۵، ص ۱).

این تعاریف نشان می‌دهند که مفهوم غنا در زبان عربی نه تنها به معنای ثروت مالی بلکه به معنای آوازخوانی نیز بکار می‌رود، و در هر دو صورت، میزان برجستگی و غنای صوت یا مال مورد تأکید قرار می‌گیرد.

غنا عبارت است از کشیدن صدا همراه با ترجیع صوت و طرب، در این تعریف از ترجیع صوت و طرب استفاده شده است: ترجیع یعنی زیروبم کردن صدا، آواز و آهنگ دادن به صدا (حرّ عاملی، رسالۀ فی الغناء، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۱). طرب حالتی است که در اثر احساسات شدید به فرد دست می‌دهد و موجب بروز رفتار خاصی از او می‌شود که در حالت معمولی از آن حرکات به طور آگاهانه پرهیز می‌کند. یعنی آن حرکات را برخورد سزاوار نمی‌داند و آن حرکات را شایسته نمی‌داند. خواه این حرکات و حالات در اثر غم و غصه و معصیت باشد و خواه در اثر شادی و شغف.

در بین فقهای امامیه ظاهراً اختلافی در حرمت غنا و حرمت خرید و فروش و گوش دادن به آن نیست

مسابقات

در این مورد نیز می‌توان آیات و روایات زیادی را نام برد که حاکی از تفریح سالم است از جمله این که یک سلسله مسابقات حتی با شرطبندی را اسلام اجازه داده و تاریخ می‌گوید: بخشی از این مسابقه های مذکور با نظارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انجام شد. بعضی از اوقات پیش می‌آمد که ایشان مرکب مخصوص خود را برای سوارکاری به انصار میدادند. از امام صادق علیه السلام این چنین رسیده است که فرمود: « ان النبی (ص) اجری الابل مقبله من تبوک، فسبقت الغضباء و علیها اسامه، فجعل



الناس يقولون: سبق رسول الله ص و رسول الله يقول: سبق اسامه» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۵۶: ج ۱۹، ص ۲۵۶)

گفتار چهارم: شادی از دیدگاه‌های مختلف

مفهوم شادی از دیدگاه‌های مختلف، یک موضوع پیچیده است که از زوایای گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. از منظر فلسفی، شادی به عنوان حالتی از رضایت و خشنودی انسان در برآورده شدن آرزوها و اهداف تعریف می‌شود. از دیدگاه روانشناسی، شادی به عنوان ترکیبی از احساسات مثبت مانند خوشحالی، سرخوردگی و رضایت از زندگی توصیف می‌شود. این تجربه نشان می‌دهد که شادی بخشی از فطرت انسان است، یعنی یک ویژگی ذاتی و اساسی که در تمام ابعاد زندگی انسانی حضور دارد و نقش بسزایی در بهبود کیفیت زندگی انسان دارد.

شادی از دیدگاه روایات

روایات اسلامی نیز بر مساله شادی و شادمانی تاکید داشته و راه و روش صحیح آن را بیان می‌دارند. گفته می‌شود که امامان معصوم علیهم السلام، در سخنان خود از مزاح و شوخی به میزانی استفاده کرده‌اند که در برخی موارد مورد پسند قرار گرفته است. آنان به طور مطلق از مزاح منع نکرده‌اند، بلکه در شرایط خاص و به صورت نسبی، شوخ طبع را تحسین کرده‌اند. به گونه‌ای که خود این بزرگواران، تا جایی که به افراط نرسیده باشد، مزاح می‌کردند. این نشان می‌دهد که در برخی از مواقع، استفاده از شوخی و مزاح توسط امامان معصوم علیهم السلام، به عنوان یک ابزار برای بیان مفاهیم و گاهی هم به عنوان راهی برای ایجاد ارتباط موثر با مخاطبان، مورد تأیید و تحسین بوده است.

در سیره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اینگونه نوشته شده است: پیامبر اکرم ص فرمود: من هم نماز می‌خوانم و هم می‌خوابم، هم روزه می‌گیرم و هم غذا می‌خورم، هم می‌خندم و هم گریه می‌کنم. پس کسی که از راه و روش من روی گرداند، از من نیست. (مجلسی، بحار الأنوار، بی تا: ج ۶، ص ۱۱۶)

شیخ صدوق در کتاب عیون الاخبار الرضا در مورد سیره علمی آن حضرت در باب

شادی می‌نویسد:





در سیره آن حضرت آمده است که وقتی یکی از اصحاب خود را غمگین می دید، او را با شوخی کردن شاد می کرد و می فرمود: «خداوند نفرت دارد از ترش رویی فرد در چهره برادرش». (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، بی تا: ج ۱، ص ۳۱۹)

همچنین حضرت امیر المومنین علی (ع) در نامه ای خطاب به یار خود کمیل در رابطه با پاداش شخص شادمان کننده می فرماید:

ای کمیل! خانواده ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری و شب ها در رفع نیاز خفتگان بکوشند. سوگند به خدایی که تمام صداها را می شنود، هرکس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد. (دستی، نهج البلاغه، بی تا: ج ۱، ص ۴۸۷، حکمت ۲۵۷)

شادی در فقه

هرچند شادی به تنهایی اعمالی مباح و تأکید شده است، اما احکام شرعی برای این دو مسئله ضوابط خاصی تعیین کرده است و نمی توان برای رسیدن به آنها از وسایل نامشروع استفاده کرد. بنابراین، باید از دیدگاه دینی وسیله هایی که منجر به شادی می شوند، حرام نباشد.

گناه ها انسان را از دستیابی به اهداف انسانی بی نهایت باز می دارند. بنابراین، نمی توان با بهانه شاد شدن خود یا دیگران، از غیبت، تهمت و دروغ بهره جست.

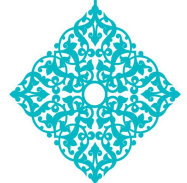
در این راستا، پیامبر اسلام (ص) به ابوذر اندرز داده اند: «گاهی آدمی در جمعی برای خنده دادن آنان سخنی می گوید و به خاطر آن، در جهنم به فاصله ای به وسعت آسمان تا زمین سقوط می کند.» (ری شهری، محمدی، شهریاران ایران، ۱۳۷۸: جلد ۶، صفحه ۳۲۲۹)

بدیهی است که نمی توان با دروغ، غیبت و تهمت لحظاتی را شاد بود. علاوه بر این، دشمنی ها، شک و تردیدها، تخریب حرمت ها و پس از آن اتفاقات منفی، باعث می شوند که سلامت روابط اجتماعی میان افراد آسیب ببیند. بنابراین، نادرست است که با شادی هایی که منجر به مفاسد بزرگ می شوند، سرگرم شویم. با این حال، خود شادی به طبع انسان مطلوب و دلپذیر است.

گرچه انجام برخی اعمال می‌تواند منجر به شادی شود، اما اسلام از برخی از این اقدامات نهی کرده است. به عنوان مثال، مصرف شراب، ارتباطات نامشروع بین زن و مرد، گوش دادن به موسیقی‌ها و ترانه‌های تحریک‌آمیز، تماشای فیلم‌ها و عکس‌هایی که شهوت جنسی را برانگیخته، نمونه‌هایی از این اقدامات هستند که در اسلام محکوم شده‌اند. از طرفی، نهی اسلام از اینگونه اعمال دارای دلایل و حکمت‌های خاصی است که برخی از آن‌ها علمی ثابت شده و قابل توجیه است. برخی از این دلایل از منابع وحی به دست آمده‌اند، مانند نهی از اختلاط نامشروع بین زنان و مردان، رقص‌های غیرمجاز، و اقداماتی که می‌توانند به تضعیف و نابودی روابط زناشویی منجر شوند و باعث پیچیدگی‌های اخلاقی گردند.

در اسلام، شادی با دیدگاهی اخلاقی و متعالی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ به طوری که شادی به خدا و باعث افزایش قربانیت از او باشد. همچنین، اخلاق اسلامی تأکید دارد که شادی نباید باعث از بین رفتن ارزش و ابهت انسان شود یا به مرگ روحی و ایمانی او منجر گردد. به عنوان مثال، امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: "وقار خود را در برابر خوشمزگی‌ها و حکایت‌های بی‌معنی و بی‌مقصد و هرزه‌گویی‌ها حفظ کنید". همچنین، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هم اظهار داشته‌اند: "زنده‌های زیاد که دل را می‌میراند و ایمان را محو می‌کند."

با توجه به نظریه‌های اخلاقی اسلام، شادی معنوی بر اساس اطاعت از پروردگار و دوری از گناهان تجربه می‌شود. به عبارت دیگر، شادی و اندوه از منشأ عملکرد اخلاقی انسان نشأت می‌گیرد و نه از تجربه لذت‌های حیوانی و موقت. امیرالمومنین علیه‌السلام معتقدند که شادی واقعی مؤمن زمانی برقرار است که از پروردگار خود پیروی کند، در حالی که اندوه و غم از آنجا سراغ او می‌آید که به گناه متمایل شود و آن را انجام دهد. با توجه به این دیدگاه، گناه به دلیل تجربه‌ای که از لذت آن حاصل می‌شود، می‌تواند به نظر برسد که لذتی دارد، اما این لذت کوتاه‌مدت و محدود است و به همراه آن نکبت و بدبختی دائمی را به ارمغان می‌آورد. به عبارت دیگر، ترک و دوری از گناه برای انسانی





که به کمال خود علاقه‌مند است، لذت‌بخش و پایدار است، زیرا این انتخاب او را به لذت‌های اصیل و ماندگار از زاویه اخلاقی و انسانی نزدیک می‌سازد.

بنابراین، در نگاه اخلاقی اسلام، شادی واقعی و پایدار تنها از طریق انطباق با اصول و ارزش‌های اخلاقی و دینی میسر می‌شود و تجربه لذت گناهان حیوانی و موقت، نه تنها به تحقق شادی واقعی کمک نمی‌کند بلکه درازمدت به انسان زخمی و بدبختی آورده می‌شود.

با توجه به اصول اخلاقی اسلام، ترک گناه و اجتناب از اعمال نامناسب، نه تنها به ارتقای شخصیت انسان کمک می‌کند بلکه به استحکام ارتباط او با خدا و دیگر افراد نیز کمک می‌کند. انسان با ترس از پروردگار و اجتناب از اعمال نامناسب، می‌تواند در جامعه به عنوان یک نمونه مثبت شناخته شود و باعث شود که روابط اجتماعی او بر پایه احترام، اعتماد و مسئولیت‌پذیری شکل بگیرد. از این رو، اخلاق و انجام اعمال صالحه به عنوان پایه‌ای برای شادی و رفاه انسان در این دنیا و آخرت، در اسلام مورد تأکید واقع شده است.

از منظر فلسفه و حکمت

در زمینه پژوهش فلسفی، مفهوم شادی از طریق دیدگاه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است، بسیاری از فلاسفه درباره آن ابهام دارند و به آن را بیش از حد هیجان‌آور یا اضطراب‌آور می‌دانند. احتمالاً می‌توان به قدیمی‌ترین تلاش فلسفی در تعریف شادی بازگشت و آن را به افلاطون نسبت داد. افلاطون سه جنبه روح انسان را شامل شهوتی، خشمی و عقلی می‌دانست و برای هر یک از اینها، لذت‌های خاصی تصور می‌کرد. وی معتقد بود که برای آنانی که به پیروی از نفع و هوس‌ها مشغولند، لذت در دست‌یافتن آرزوها و ثروت‌ها قرار دارد؛ برای جاه‌طلبان، در کسب رتبه و شهرت؛ و برای دانشجویان، در دستیابی به دانش و علم است، که به نظر او، بالاترین نوع لذت و شادمانی است. (افلاطون، ۱۳۵۷: کتاب نهم)

به تدریج ارسطو به سه نوع شادمانی اشاره می‌کند، که در تعبیر او، سطح پایینی شامل لذت و راحتی است. از سوی دیگر، سطح بالاتری از شادی به موفقیت و دستیابی به

اهداف می‌پردازد. اما برترین نوع شادی بر اساس ارسطو، ناشی از دستیابی به معنویت و فضایل است. او معتقد است که شادی واقعی، از طریق انجام دادن کارهایی که از لحاظ اخلاقی و فضایی ارزشمند هستند، به دست می‌آید، نه از اشباع امیال و شهوت‌ها. فلاسفه یونانی که در جستجوی آرامش درون بودند، شادی را بیش از حد پرسروصدا و جسمانی تلقی می‌کردند.

دنباله اپیکور و تفکر لوسیپ از یونان باستان، دو رویکرد متفاوت به معنای شادی را معرفی می‌کنند. اپیکور معتقد است که خوشبختی در حذف درد و رنج است و نه در تفریحات و خنده‌ها. او به سادگی زیستن و دوری از تجملات تاکید دارد و شادی را به این نحو تعریف می‌کند.

در مقابل، لوسیپ به عنوان یک متفکر یونانی، شادی را به عنوان هدف زندگی می‌پذیرد اما با یک زاویه‌ی متفاوت. او به شادی زیباشناختی، به معنای تجربه‌ی لذت و شادی از دیدن و تماشای چیزهای زیبا و خوب، اشاره می‌کند. این دیدگاه او به شادی به عنوان یک تجربه‌ی زیبایی متمرکز می‌شود که از زیبایی‌های محیط و موجودات به وجود می‌آید. اشخاص موفق، انجام کارهای مثبت را به عنوان شادی می‌پذیرند و دانشمندان، زندگی متفکرانه و جستجوگرانه را معادل شادی قلمداد می‌کنند. از دیدگاه فلسفی، شادی به دست آوردن تعادل در توانمندی‌ها و زندگی فکری است. استاد شهید مرتضی مطهری، فیلسوف برجسته و اسلام‌شناس معاصر، می‌گوید: «شادی وضعیتی است که از دانش و یقین در اینکه یکی از اهداف و آرزوها به دست آمده یا به دست خواهد آمد، ناشی می‌شود و غم و اندوه وضعیتی ناخوشایند و دردناک است که از یقین در عدم به دست آمدن یکی از اهداف و آرزوها به دست می‌آید.» (مطهری، مقالات فلسفی، ۱۳۸۶: ج ۷، ص ۵۸)

در آنالیز فلسفی، شادی برای اسپینوزا و نیچه که آن را با حیات هم‌ارز می‌دانند، و برای برکسون که آن را جوشش خلاقیت و معنا می‌شناسد، اهمیت ویژه‌ای دارد. روبرت میسراهی، که به مدت طولانی پژوهش‌های اخلاقی را در دانشگاه سوربن انجام داده است، ما را به ابراز شادی در قرن ۲۱، که او آن را "زمان خشم و غضب" می‌نامد، تشویق می‌کند.





اندکی از فیلسوفان که به موضوع شادی پرداخته‌اند، اجماع دارند که انسان واقعی، انسانی نیست مگر با شادی.

شادی از دیدگاه امام خمینی

الف) دیدگاه عرفان به شادی

با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره)، انسان دو بُعد مهم را در مسیر پیشرفت و رسیدن به تحقق انس با حق می‌پذیرد. او معتقد است که اضطراب و ناراحتی انسان ناشی از موانع و رنج‌هایی است که در مسیری که به سوی ذات حق و نزدیک شدن به او پیش می‌رود، بوجود می‌آیند. در وصیت‌نامه‌ی سیاسی-الهی خود، امام خمینی (ره) این احساسات را به خوبی به تحقق کوچ به دنیای آخرت و دستیابی به وصال حق می‌پردازد: او به آرامش دلی، قلبی مطمئن و روحی شاد، به سوی سفری ابدی و پایدار به جهت ملاقات با خداوند می‌رود. این دیدگاه نشان می‌دهد که امام خمینی (ره) به حیات معنوی و رشد روحی و معرفتی انسان اهمیت زیادی می‌دهد و معتقد است که تحقق معرفت حق و نزدیک شدن به ذات حق، منجر به احساس آرامش و خوشی واقعی در انسان می‌شود، که جوهره‌اً به مفهوم واقعی شادی در زندگی انسانی می‌پردازد. (خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۵: ج ۲۱، ص ۴۵۰)

بنا به آیه‌ی قرآن کریم که می‌فرماید: "الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ ۗ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ"، معنای اساسی آرامش و خوشبختی را در یادآوری و تذکر خدا می‌بینیم. این نگرش نشان می‌دهد که به دست آوردن آرامش اصلی و پایدار، تنها از طریق ارتباط عمیق با ذات الهی و تفکر درباره وجود او ممکن است. همچنین، امام خمینی (ره) این مفهوم را به وضوح تبیین می‌کنند که در ذکر واقعی خداوند، جایگاهی است که برای تمامی انسان‌ها آرامش و سعادت بی‌پایان فراهم می‌آید، زیرا ذکر حقیقی، نه تنها به آرامش بخشی می‌پردازد بلکه نفس‌های بی‌آرام را به آرامش می‌رساند و از انحرافات اخلاقی آنها دور می‌سازد. (خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۵: ج ۲۱، ص ۴۵۰) از منظر امام خمینی (ره)، نشاط پایدار انسان در استغراق در ذکر خداوند و نخستین منابع روحانیت می‌یابد. این نگرش نشان می‌دهد که راه برای دستیابی به نشاط دائمی، تنها از طریق پرداختن به معارف

دینی و گوش دادن به ادعیه‌ی معروف است که از آن جمله، می‌توان به آیات قرآنی و دعاهای پرمعنای اسلامی اشاره کرد. امام خمینی (ره) در تبیین این امر بیان می‌کند که مردم باید با گوش سپردن به کلام الهی، نقطه‌ای از نشاط دائمی را در زندگی خود تجربه کنند، زیرا این عمل نه تنها احساسات را تقویت می‌کند بلکه به روحیه‌ی انسانی ماندگاری می‌بخشد و او را به سوی یک حیات اخلاقی و معنوی پایدار هدایت می‌کند.

ب) نسبت عبادت و نشاط

با توجه به آموزه‌های امام خمینی (ره) در کتاب "آداب الصلوة"، توصیه‌ای قاطع وجود دارد که عبادت باید در زمانی انجام شود که قلب به سرانجام رسیده و احساس خوشبختی و انبساط فراوان دارد. این نگرش نشان می‌دهد که عبادت باید از روی معنویت و با اخلاص انجام شود تا به نتیجه‌ای مثبت و روحی انسان برسد. امام خمینی (ره) به وضوح بیان می‌کند که انجام عبادات در شرایطی که قلب شاد و به حالت انبساط و خوشی رسیده باشد، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روحیه و اخلاق انسان داشته باشد و او را به سوی رضایت و مقبولیت الهی هدایت کند. (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۲۱)

به گفته امام، انجام عبادات در حالتی که با شادی و نشاط همراه باشد، ابواب رحمت الهی را گشایش می‌دهد و رازهای عبادت، از جمله نماز، برای انسان کشف می‌شود. او تأکید دارد که عبادت باید در زمانی انجام شود که انسان دارای نشاط و تازگی است و نفس در اوقات کسالت و خستگی از عبادت منصرف نشود، زیرا این ممکن است باعث ضررهایی شود که انسان را از ذکر حق منحرف کند.

شادی و نشاط در عبادات، نه تنها برای روحیه و روانی انسان مفید است، بلکه می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روند زندگی فردی و اجتماعی داشته باشد. انسان با انجام عبادات در حالتی که دارای شادی و انرژی است، می‌تواند بهترین نتایج را برای خود و دیگران به ارمغان بیاورد (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۱۳).

ج) نشاط در مبانی خدانشناسی

با توجه به آموزه‌های امام خمینی (ره) در کتاب "آداب الصلوة"، او شادی را به عنوان یک حالت عمیق و ارتباطی عمیق با خداوند تبیین می‌کند که از او به عنوان منبع اصلی





شادمانی و نشاط برای انسان‌ها ناشی می‌شود. امام خمینی با تأکید بر نزدیکی به خداوند و تأثیر آن بر شادی انسان، بیان می‌کند که هر چه انسان به خداوند نزدیک‌تر باشد، شادتر خواهد بود و هر چه از او دورتر باشد، غمگین‌تر خواهد بود. او این ارتباط را به عنوان اساسی‌ترین راه برای دستیابی به شادی و آرامش در زندگی انسان معرفی می‌کند.

عارفان و متقیان، با پرهیز از گناهان و انجام عبادات صالحانه، به نشاط و شادابی واقعی دست می‌یابند. آنها با عمل به آموزه‌های دینی و معرفتی، از جمله ریاضت و مکاشفه، به درک عمیق‌تری از حقایق دینی و معنوی می‌رسند که به نوعی منجر به شادی و سعادت درونی می‌شود. در این راستا، متن بیان می‌کند که انسان در زمانی که با دلی آرام و با ایمان به عبادت و خدمت به خداوند می‌پردازد، به شادی و خوشبختی حقیقی دست می‌یابد و این شادی از آنجا ناشی می‌شود که او به عنوان موجودی خلقتی، نزدیک به خالق خویش قرار دارد.

مفهوم شادی در آثار امام خمینی (ره) نشان‌دهنده عمق فرهنگ معنوی و دینی او است که از آن به عنوان راهی برای دستیابی به فرح و سعادت در زندگی انسانی استفاده می‌شود. این مفاهیم در آداب الصلوة او به طور واضح و دقیق تبیین شده است (خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۲۲).

د) شادی و نشاط در آموزه‌های عملی

شادی از منظر اخلاق اسلامی

آیت‌الله مصباح چه در کتاب «اخلاق در قرآن» (۱۳۸۵: ج ۲، ص ۷۵) به تفسیر ابعاد شادی از طریق آموزه‌های عملی اسلامی پرداخته‌اند. بر اساس اندیشه اسلامی، شادی نه تنها به دست آوردن موفقیت‌های مادی بستگی ندارد، بلکه به رضایت داخلی و ارتباط صمیمانه با خداوند متعال نیز منجر می‌شود.

آموزه‌های عملی برای رسیدن به شادی

برای رسیدن به شادی در اندیشه اسلامی، اخلاق‌هایی چون صداقت، بخشندگی، عفو و مغفرت، و تواضع مورد تأکید قرار می‌گیرند. این اخلاق‌ها به عنوان راهکارهایی برای

دستیابی به آرامش داخلی و شادی تلقی می‌شوند که همچنین از جانب فرد به خداوندیت و تلاش برای رضایت او نیز پیروی می‌کنند.

نقد و بررسی مفاهیم از منظر متفکرین شیعه

متفکرین شیعه همچنین به بررسی مفاهیم شادی و نشاط از زوایای مختلفی پرداخته‌اند. برای مثال، در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی در «شرح اصول فلسفه و روان‌شناسی اسلامی» می‌توان به بررسی ابعاد روحانی شادی و نقش ارزش‌های دینی در آن اشاره کرد.

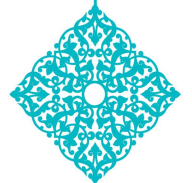
به طور کلی، شادی و نشاط به عنوان یکی از غایات اصلی زندگی انسان در اندیشه اسلامی به دنبال رسیدن به تعادل و هماهنگی در زندگی اجتماعی و فردی است. این اصول با توجه به آموزه‌های عملی و اخلاقی اسلامی، فرصتی را برای دستیابی به شادی و نشاط در هر لحظه زندگی فراهم می‌آورند.

نتیجه گیری

با بررسی مفاهیم و عناوین مطرح شده و تعاریف آن‌ها از منظر علمای مختلف، درک می‌کنیم که اصل و اساس تفریح، فرح و شادی نه تنها مذموم نیست، بلکه دین اسلام که مظهر عقل کامل در معیشت است، به آن تأکید کرده و آن را یکی از لوازم زندگی می‌داند. اسلام شادی را یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی می‌شمارد و زندگی بدون آن را بی‌معنا و تهی تلقی می‌کند.

با این حال، این به معنای جواز مطلق تمام لذت‌ها، شادی‌ها و تفریح‌ها نیست. اسلام تنها آن دسته از شادی‌ها را مجاز می‌داند که منجر به گناه یا خلاف در مسیر حق تعالی نشوند. شادی باید کنترل شده و در حدی باشد که از مرز معقول خارج نشود و به گناه نیانجامد. عقل نیز حکم می‌کند که زندگی بدون شادی ممکن نیست.

پزشکان شادی را ضروری می‌دانند و آن را یکی از مهم‌ترین احساسات در زندگی بشر معرفی می‌کنند. فلاسفه نیز که زندگی انسان و آفرینش را از دیدگاه عقلانی تحلیل می‌کنند، به این نیاز انسان به شادی اذعان دارند. البته، چون درک کامل شادی و اسباب





آن هنوز برای انسان به طور کامل میسر نشده است، فلاسفه با احتیاط بیشتری با این موضوع برخورد می‌کنند.

امام خمینی (ره) نیز شادی و شادمانی در زندگی را لازم می‌دانستند. این نکته از سیره عملی و گفتار ایشان مشهود است. ایشان روحیه‌ای شوخ‌طبع داشتند، ولی حد و حدود را رعایت می‌کردند و از شادی که منجر به لغو شود، پرهیز می‌نمودند. این رفتار نه تنها از سوی عقل و دین ناپسند است، بلکه به عنوان رهبر یک امت و مدیر یک جریان، رخدادن شادی بیهوده و لغو می‌توانست وجهه روحانیت را نیز خدشه‌دار سازد.

با بررسی سیره عملی امام خمینی (ره) درمی‌یابیم که شادی در چه مواردی پسندیده و در چه مواردی ناپسند است. ایشان در برخورد با طلاب از عبارات عوامانه استفاده نمی‌کردند و مزاح‌هایشان را با عبارات طلبگی بیان می‌کردند. در مقابل، در میان مردم عادی از عبارات عامیانه برای مزاح بهره می‌بردند. این رفتار نشان از درک عمیق امام نسبت به شرایط و مخاطبان مختلف دارد.

الگوبرداری از سیره امام خمینی (ره) می‌تواند به اصلاح رفتار و گفتار ما در مواجهه با دیگران کمک کند و ما را به راه سعادت دنیوی و اخروی هدایت کند. تطابق رفتار با مقتضای زمان و مکان و همچنین استفاده از بیانی مناسب در مواجهه با هر گروهی، مورد تأیید طبیعت انسانی است و به رضایت درونی می‌انجامد.

در مواجهه با چالش‌های ناشناخته، بهتر است از راهنمایی افراد مجرب و بزرگانی چون امام خمینی (ره) بهره ببریم و از آنان تقلید کنیم. در مواجهه با ناشناخته‌ها، عقل به پیروی از راه مطمئن و طناب نجات حکم می‌کند. بنابراین، علاوه بر محاسبه و مراقبه روزانه بر اعمال خود، باید از رفتار و گفتار بزرگان پیروی کنیم تا از جهل و ترس در امان باشیم.

فہرست منابع

۱. آرگابل، جاناتان، «روان شناسی شادی»، چ ۱، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۵.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، «معجم مقاییس اللغۃ»، ج ۱، چ ۱، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۹ق.
۳. ابن منظور، جمال الدین، «اللسان»، جلد ۱۵، چ ۱، دار الفکر، بیروت، چ ۱، ۱۴۰۰ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، جلد ۷، چ ۱، دار صادر، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۵. خمینی، سید روح اللہ «صحیفہ امام»، ج ۲۱، شماره چاپ ۱۳۸۵، ناشر نامعلوم، محل نشر نامعلوم، سال ۱۳۸۵، صفحہ ۴۵۰.
۶. افلاطون، «کتاب نہم»، بی، سال ۱۳۵۷.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، «غررالحکم و دررالکلم»، ج ۲، چ ۱، دفتر نشر الہادی، قم، ۱۳۶۰.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، «رسالۃ فی الغناء»، چ ۱، نشر مرصاد، قم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعہ»، ج ۱۹، چ ۱، انتشارات اسلامیہ، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۱۰. دهنخدا، علی اکبر، «لغت نامہ»، ج ۱۵، روزنہ، تهران، ۱۳۷۳.
۱۱. جوادی آملی، عبداللہ، «شرح اصول فلسفہ و روان شناسی اسلامی»، ج ۳، چ ۱، نشر میزان، قم، ۱۳۹۰.
۱۲. شہریاران ایران، محمدی ری شہری، «شہریاران ایران»، ج ۶، انتشارات شہریاران ایران، تهران، ۱۳۷۸.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بابویہ، «عیون اخبار الرضا (ع)»، ج ۱، چ ۱، نشر صدوق، قم، ۱۳۷۸.
۱۴. فراہیدی، خلیل بن احمد، «کتاب العین»، ج ۱، چ ۱، دار و مکتبۃ الہلال، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۱، چ ۱، دار الکتب الإسلامیہ، تهران، ۱۳۸۹.





۱۶. مجلسی، محمد باقر، «بحار الأنوار»، ج ۶، چ ۱، انتشارات دار اسلامیة، بیروت، سال ۱۴۰۳ ق.
۱۷. محمد سیدرضی، «نهج البلاغه»، چ ۱، مؤسسه نهج البلاغه، قم، ۱۴۱۴ هـ ق.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی، «اخلاق در قرآن»، چ ۱، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۳.
۱۹. مطهری، مرتضی، «مقالات فلسفی»، چ ۱، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۶.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، «استفتائات جدید»، محقق: ابوالقاسم علیان نژاد، چ ۲، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۴۲۲ ق.